

## **A Comparative Analysis of Islamic and Conventional Banking**

Khawaja Abdul Jawad Siddiqi\*, Bibi Deyana Hidayat\*\*

\* Faculty Member, Faculty of Economics, Jahan University, Kabul, Afghanistan  
(Corresponding Author)  
a.j\_s@hotmail.com

\*\* Faculty Member, Faculty of Economics, Technical and Vocational Education and training authority, Kabul, Afghanistan  
deyana\_hidayat@hotmail.com

### **Abstract**

The performance of banks across different countries exhibits varying outcomes. These disparities can be attributed to the efficiency of banks in mobilizing and allocating resources, as well as the absence of various regulatory constraints between banks and the public. The prohibition of interest in Islam, coupled with its pivotal role in economic discourse as a linchpin connecting goods and services markets, the money market, and the balance of payments, has posed a significant challenge to Islamic societies and Muslims. As a potential solution to this dilemma, Islamic banking has been introduced in numerous Islamic countries and even in some non-Islamic nations, either on a nationwide or regional scale. Despite its inherent challenges, limitations, and shortcomings, Islamic banking offers distinct advantages compared to conventional banking. This research adopts an analytical-descriptive approach and employs a library research methodology. By drawing on various sources, the study delves into a comparative analysis of Islamic and conventional banking systems. Islamic banking, fundamentally rooted in Islamic culture and knowledge, is an integral component of a broader framework. The findings suggest that a comparative analysis of resource mobilization and allocation methods in conventional and Islamic banking reveals a greater diversity of resource mobilization methods and incentive tools within the Islamic banking system. However, the incentive tools employed in the conventional banking system are generally more robust and stable.

**Keywords:** Objectives of Islamic banking, Conventional banking, Successes and challenges of Islamic banking

## مقایسه بانکداری اسلامی و متعارف

خواجه عبدالجواد صدیقی \*، بی.بی دیانا هدایت\*\*

\* کادر علمی پوهنحی اقتصاد، پوهنتون جهان، کابل، افغانستان، (نویسنده مسئول)

a.j\_s@hotmail.com

\*\* استاد پوهنحی اقتصاد، اداره تعلیمات تخنیک و مسلکی، کابل، افغانستان

deyana\_hidayat@hotmail.com

### چکیده

عملکرد بانکها در کشور های مختلف، نتایج متفاوتی را نشان داده است. این تفاوتها به کارایی بانکها در زمینه تجهیز و تخصیص تهیه منابع، عدم وجود محدودیت‌های مختلف در قوانین و مقررات بین بانکها و مردم مربوط می‌شود. حرمت بهره در اسلام از یک سو و نقش مهم آن در مباحث اقتصادی، عامل ارتباط دهنده بازار کالاها و خدمات، بازار پول و تراز پرداختها به یکدیگر، باعث شده است، که یک چالش مهم فراروی جوامع اسلامی و مسلمانان خود نمایی کند. بانکداری اسلامی به مثابه راه کارهای برای بیرون رفت از مشکل ذکر شده در بیشتر کشورهای اسلامی و حتی در بعضی از کشورهای غیر اسلامی مطرح شده و در کل کشور یا در مناطق خاصی اجرا شده است. بانکداری اسلامی به شکل موجود آن علی رغم مشکلات، تنگناها و کاستی‌هایی که دارد، در مقایسه با بانکداری متعارف دارای امتیازاتی است. در تحقیق حاضر، پژوهش از نوع تحقیقات تحلیلی - توصیفی است و از روش تحقیق کتابخانه‌ای استفاده شده است، با استفاده از منابع مختلف به بررسی و مقایسه دو نظام بانکداری اسلامی و متعارف پرداخته شده است، بانکداری اسلامی به طور کلی از فرهنگ و معارف اسلامی سرچشمه می‌گیرد و صرفاً جزئی از کل محسوب می‌گردد. نتایج حاکی از آن که مقایسه شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری متعارف و اسلامی گویا آن است، که شیوه‌های تجهیز منابع و ابزارهای انگیزشی برای تجهیز منابع در بانکداری اسلامی متنوع تر از بانکداری متعارف ولی ابزارهای انگیزشی نظام بانکداری متعارف قدرتمندتر و با ثبات تر است.

**واژه‌های کلیدی:** اهداف بانکداری اسلامی، بانکداری متعارف، موفقیتها و چالشها

## مقدمه

ابزارهای مالی، بازارهای مالی و مؤسسات مالی، اجزای یک نظام مالی را تشکیل می‌دهند که وظیفه انتقال وجوه مازاد را در جامعه به جاهایی که کمبود منابع مالی وجود دارد بعهده دارند. اگر ارکان فوق در یک جامعه به درستی شکل گیرد، زمینه رشد اقتصادی فراهم شده است. کشورهای پیشرفته که از نظام مالی خود استفاده می‌کنند، توانسته اند با هدایت صحیح منابع مالی به رشد اقتصادی دست یابند.

توسعه نظام مالی در یک کشور بدون در نظر گرفتن شرایط بومی کشور میسر نمی‌باشد، از اینرو توجه به دستورات اسلامی در زمینه امور مالی به ویژه حرمت ربا در تأسیس یا کارایی یک نظام مالی اسلامی ضروری محسوب می‌شود. نظام مالی اسلام در جهان از دهه ۱۹۵۰ به سرعت توسعه یافته است. وجود «نرخ بهره ثابت» محور اصلی این نظام می‌باشد، بطوری که ابزارها و بازارهای مالی رایج در دنیای غرب عمدتاً مبتنی بر سیستم نرخ بهره تضمینی و ثابت می‌باشد. بکارگیری نظام مالی اقتصاد سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی با تردیدهای جدی همراه است. آن دسته از کشورهای اسلامی که از نظام مالی متعارف در کشورهای خود استفاده کرده اند، توفیق چندانی به دست نیاورده اند. در حال حاضر، تمایلات قابل توجهی از مردم و دولت‌های اسلامی برای مراجعه به دستورات اسلامی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی پدید آمده است. اکنون بیش از یکصد مؤسسه مالی در بیش از ۴۵ کشور جهان وجود دارد که بر اساس دستورات اسلامی در زمینه امور مالی فعالیت می‌کنند. نظام مالی با الهام از مکتب اقتصادی اسلام، قوانین و مقررات خاص خود را دارد.

نظام اقتصاد اسلامی، که بر پایه ارزش‌ها و جهان بینی اسلامی استوار است، فقط جزیی از مجموعه نظام‌هایی است که سیستم کلی اسلامی را تشکیل می‌دهد و با نظام‌های موجود جهان مانند سوسیالیسم، کمونیسم و سرمایه داری تفاوت اساسی دارد. اخلاق اسلامی که سرچشمه تغذیه معنوی این نظام است، فعالیت‌های اقتصادی را با زنده‌گی اجتماعی ارتباط می‌دهد و معیارهایی را به وجود می‌آورد که رفتارهای اقتصادی انسان را کنترل و تنظیم می‌کند (داعی، ۱۳۸۹: ۴۴).

نظام اقتصاد اسلامی، ضمن تصحیح آرمان‌های خیالی مردم، تصویر درست و الگویی سالم از یک نظام اقتصادی ارائه می‌دهد. در باب پیشینه تحقیق با مطالعه آثار مختلفه از دانشمندان معروف جهان در مورد بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف نظریات و موضوعات مختلف مورد بحث قرار گرفته است، که از آن جمله نظر دانشمندان در مطالعه‌ای تحت عنوان ( اقتصاد الگوی PLS مشارکت در سود و زیان) توسط رفیع خان در سال 1984 انجام شده است (۷۴).

تحقیق دیگر تحت عنوان (به سوی یک نظام اقتصادی بدون بهره) توسط مسعود خان در سال ۱۹۹۸ با مطالعه نظام اقتصادی بدون بهره اسلامی، که در آن آثار و عواقب ممنوعیت دریافت بهره در اقتصاد و مسأله ربا را در چارچوب علم اقتصاد متداول، مورد بررسی قرار داده است. ابتدا تحت مجموعه‌ای از فرضیات نشان می‌دهد که روش مالی اسلامی بر روش متعارف برتری دارد و از استحکام نسبی برخوردار است. نتیجه عمده این مقاله برتری نظام مالی اسلامی است، به شرط آن که به درستی اجرا شود. هر چند شرط

اجرای درست برای موفقیت نظام اسلامی شرط بسیار سختی است و در کوتاه مدت امکان پذیر نمی‌باشد، ولیکن مسلم است که جامعه باید بهای سنگینی را برای اسلامی شدن بپردازد (۴۸).

تحقیق تحت عنوان (تصویری کلی و اجمالی از کار برد و ساختار بانکداری اسلامی) توسط میرآمر و همکاران، در سال (۱۹۸۵) تاکید بر خط مشی و قوانین دقیق اسلام دارند. ایشان معتقدند بانکداری اسلامی علاوه بر تحریم ربا، در چارچوب نظام با قواعد و معیارهای اسلام باید عمل کنند. و فرضیه این تحقیق نارسایی و مشکلات عمده فراروی نظام بانکداری اسلامی ربا است، استفاده از ابزارهای انگیزشی ثواب اخروی باعث افزایش سپرده‌گذاری در بانکداری می‌شود و میزان آشنایی تخصص مدیران و کارمندان بانک، با نظام بانکداری اسلامی پائین است. در نتیجه ویژه‌گی‌های عمده یک نظام مالی اسلامی که عمدتاً بر بانکداری اسلامی در کشورهایی مانند ایران و پاکستان استوار است، را مورد بررسی قرار داده است، و به این نتیجه رسیدند که این روابط با تغییر نظام مالی متعارف به اسلامی، تغییر اساسی خواهند کرد (۵۰).

روش تحقیق از نوع تحقیقات تحلیلی - توصیفی است که به اساس روش کتابخانه می‌باشد، با استفاده از منابع مختلف به بررسی و مقایسه دو نظام بانکداری اسلامی و متعارف پرداخته شده است. از مطالعات کتابخانه‌یی با استفاده از منابع و ماخذ موجود مانند کتاب‌ها، مقالات ملی و بین المللی، پایان‌نامه‌ها، وب سایت‌های معتبر و گزارشات که در خصوص موضوع تحقیق نوشته شده، ترتیب گردیده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی، توانایی بیشتری برای جلب وجوه نقدی قابل سرمایه‌گذاری را نسبت به بانکداری متعارف دارند، زیرا مبنای آن‌ها مشارکت است.

### اهمیت بانکداری اسلامی

اقتصاد کشورهای اسلامی در سال‌های اخیر، مورد توجه اقتصاددانان و فعالان بخش مالی و سرمایه‌گذاری کشورهای پیشرفته جهان قرار گرفته است و بانکداری اسلامی، حضور خود را از دو دهه قبل در جهان اعلام کرد و از آن تاریخ الی اکنون از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است، که آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد، که بیش از ۲۰۰ موسسه مالی - اعتباری و بانکی اسلامی از چین گرفته تا آمریکا، در سراسر دنیا فعالیت دارند و بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار منابع مالی را در اختیار گرفته‌اند و خدمات مالی را طبق خواست مشتریان، مطابق اساسات شرع مقدس ارایه می‌کنند (بخشی رنگی، ۱۳۸۵: ۴۵). در چارچوب اصول اسلامی، پرداخت و دریافت هرگونه بهره که در قالب ضوابط اسلامی تعریف نشده باشد، غیر شرعی بوده و هم‌چنین هرگونه فعالیت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیرشرعی که خلاف خواست مردم باشد و ضرر را متوجه مردم بسازد، ممنوع است.

گسترش جمعیت مسلمانان در سراسر دنیا به ویژه در اروپا، موجب شده تا کشورهای اروپایی نیز اقدام به تأسیس بانک‌های اسلامی کنند، در دنیای امروز جمعیت، مسلمانان به حدود ۱/۵ میلیارد نفر رسیده که ۶۹ درصد از این جمعیت در خاورمیانه، ۲۹ درصد در آفریقا و ۲ درصد در سایر نقاط دنیا به طور پراکنده زنده‌گی می‌کنند، یکی از اعتقادات مهم و اساسی که زیربنای زنده‌گی افراد مسلمان را تشکیل می‌دهد، بحث‌های اعتقادی به خصوص در مسایل مادی است، مبانی فقهی قوی مناسبات مالی را مشخص کرده و مسایل مالی در شرع مقدس به اساس آیات قرآن کریم و احادیث نبوی، به صورت خیلی واضح بیان

گردیده است، و بر نامطلوب و ناپسند بودن ربا تاکید دارد و به شدت انرا منع کرده است، که به هیچ وجه نمی‌توان آنرا به گونه‌یی توجیه نمود و بدون هیچ تردیدی در مقابل آن باید استاد. بنابراین ۱/۵ میلیارد از جمعیت دنیا نیازمند یک سیستم پولی خاص هستند، تا روابط اقتصادی خود را تنظیم کنند و در واقع یک حس توقع و انتظار در جمعیت مذکور شکل گرفته است تا شاهد باشند این سیستم چگونه کار می‌کند؟ چه ویژه‌گی دارد، و درنهایت چه مشکلاتی را حل می‌کند؟ (عارف، ۱۳۸۸: ۵۳).

### الف) اصول بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی همان اهداف بانکداری متداول دنیا را دنبال می‌کند، با این تفاوت که عملیات بانکداری در این بانکها براساس فقه معاملات اسلامی صورت می‌گیرد (نور عباد، ۱۳۹۰: ۶۷). مهم‌ترین اصل در بانکداری اسلامی، تقسیم سود و زیان حاصل از معامله و پرهیز از پرداخت ربا یا همان بهره پول است، عمومی‌ترین مفاهیم مورد استفاده بانکداری اسلامی شامل مضاربه (تقسیم سود)، ودیعه (به امانت گذاردن)، مشارکت (سرمایه‌گذاری مشترک)، مرابحه (قرارداد مبتنی بر قیمت تمام شده) و اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) است (بخشی رنگی، ۱۳۸۵: ۵۳). در یک قرارداد رهنی به‌جای اینکه برای خرید یک کالا، وام در اختیار خریدار قرار بگیرد، بانکها خود اقدام به خرید کالا می‌کنند و آن را دوباره به خریدار می‌فروشند و وجه آن را به صورت قسطی دریافت می‌کنند. البته در این معامله سودی و یا جریمه‌ای دریافت نمی‌شود. به منظور جلوگیری از هر گونه قصور در این زمینه، بانک اقدام به دریافت وثیقه می‌کند. کالا یا ملک مورد معامله از آغاز به نام خریدار ثبت می‌شود. این کار مرابحه نام دارد. یکی دیگر از مفاهیم در انجام معاملات اسلامی اجاره و اقتنا نام دارد که مشابه لیزینگ مستغلات است (شعبان، ۱۳۹۱: ۳۲). وام بانک‌های اسلامی برای خرید وسایل نقلیه نیز شیوه مشابهی از لیزینگ است که وسیله نقلیه را با قیمتی بالاتر از قیمت معمول به خریدار می‌فروشد، اما مالکیت خود را تا پایان مدت اقساط وام حفظ می‌کند. نوعی دیگر از انواع تسهیلات بانک‌های اسلامی پرداخت وام به شرکت‌ها با نرخ بهره شناور است. نرخ بهره شناور به عنوان نرخ بازده ویژه یک شرکت به حساب می‌آید. به علاوه اینکه سود بانک دقیقا برابر با سود خود شرکت خواهد بود. بانک تامین‌کننده منابع مالی و شرکت پدیده آورنده و مجری پروژه است، که در پی یک طرح اقتصادی به سرمایه‌گذاری مشترک می‌پردازند. بنابر این سود و زیان نیز به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود و شرکت نباید در صورت شکست در پروژه، هزینه‌ها و زیان را برعهده گیرد (نور عباد، ۱۳۹۰: ۲۰).

### ب) خدمات بانکداری اسلامی

بانک‌های اسلامی در اقتصاد همان وظایف را انجام می‌دهد که بانک‌های متعارف انجام می‌دهد (سهیلی، ۱۳۸۷: ۳۷).

۱. ودیعه

۲. مضاربه

۳. مشارکت

۴. قرض الحسنه

۵. اجاره
۶. مشارکت مدنی
۷. فروش اقساطی
۸. معاملات سلف
۹. جعاله
۱۰. حواله
۱۱. مشارکت حقوقی
۱۲. اجاره به شرط تملیک
۱۳. سرمایه گذاری مستقیم
۱۴. استصناع

عقود (خدمات) مختلف در بانکداری اسلامی (شعبان، ۱۳۹۱: ۲۳۰).

### بانکداری اسلامی فراتر از بانکداری بدون ربا

طی دو دهه اخیر بانک‌های بدون ربا در کشورهای اسلامی، از جهت کمی و کیفی توسعه قابل توجهی داشته اند، به نحوی که امروزه در اغلب کشورهای اسلامی و حتی در برخی کشورهای غیرمسلمان، الگوهای گوناگونی از بانک‌های بدون ربا فعالیت می‌کنند. این بانک‌ها گرچه از جهت حذف ربا از عملیات بانکی مشترکند، اما از جهت الگوی عملیاتی و بکارگیری عقود و روش‌های معاملاتی با یکدیگر متفاوت هستند (جعفری، ۱۳۸۸: ۶۵).

در بین مردم و کارشناسان بانکی سوتفاهم وجود دارد که گویا بانکداری بدون ربا معادل بانکداری اسلامی می‌باشد، حال آنکه بانکداری بدون ربا تنها بخشی مهم از بانکداری اسلامی است و نه همه آن. با این تفاسیر برقراری قسط، عدالت، انصاف و ریشه کنی تبعیض، رعایت حقوق ذینفعان و برقراری اخلاق در ابعاد اجتماعی و نیز حتی زیست محیطی، برقراری زمینه‌های رشد، توسعه و دستیابی به استقلال و خوداتکایی اقتصادی از جمله اهداف بانکداری اسلامی به شمار می‌رود (داعی، ۱۳۸۹: ۳۳).

بر این اساس افزون بر فعالیت‌های مشروع متداول بانکی، فعالیت‌های بانکداری اسلامی در مواردی هم‌چون توزیع عادلانه تسهیلات و خدمات بانکی بین بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه، تعیین عادلانه نرخ‌های سود، تسهیلات و سپرده‌ها متناسب با شرایط اقتصادی جامعه، تاکید به موازین اخلاقی هم‌چون صداقت، شفافیت، امانتداری، انضباط و نظم، وفا به تعهدات و پیمان‌ها، مسئولیت پذیری، پاسخگویی و قانونگرایی، رعایت حقوق مشتریان و حفظ احترام و کرامت آنان، صیانت از اسرار مشتریان، رعایت حقوق کارمندان و مدیران بانکی و برقراری نظام عادلانه، ارتقای دستمزد و پاداش برای آنان، رعایت حقوق سهامداران بانکی، رعایت اخلاق در مراودات بین بانکی، نظارت بر تبلیغات و سیاست‌گذاری‌های بانکی به منظور صیانت از فرهنگ اسلامی جامعه، صیانت از محیط زیست با اولویت دهی به تامین مالی تصدی‌های تولید کننده، مواد پاک و محدود سازی تامین مالی تصدی‌های تولید کننده، حمایت سیاست‌گذاری‌های بانکی از روند رشد، توسعه و ثبات اقتصادی و تقلیل اثرات شوک‌های مخرب اقتصادی، تقویت و حمایت

از تولید ملی به منظور دستیابی به خود اتکایی و استقلال اقتصادی و مواردی از این دست، تجلی می‌یابد (شعبان، ۱۳۹۱: ۷۶).

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجرای کامل عملیات بانکداری بدون ربا، تنها یکی از گام‌های تحقق بانکداری اسلامی است و نظام بانکداری کشور بایستی جهت برآورده شدن سایر بخش‌های بانکداری اسلامی، فعالیت‌های جداگانه از خود نشان دهد (جعفری، ۱۳۸۸: ۶۸).

### نقش موفقیت در بانک‌های اسلامی

موفقیت بانک‌های اسلامی در ایفای نقش آنها، از دو جهت بستگی به هسته‌های سالم اداره کننده‌گان و فعالیت‌های آنها دارد:

- التزام به شریعت اسلامی و مقاصد شریعت در تمام معاملات و تصرفات و تلاش برای بیش‌ترین کارایی در فعالیت‌ها، در ضمن وقتی که کارایی مورد نظر تحقق یافت و موفقیت و سود بالا (در صورت کنار گذاشتن ربا) بر مبنای مشارکت سود و زیان حاصل شد، دیگر کسی نمی‌تواند در توجیه پذیری اقتصادی این بانک‌ها تردید نماید.

بالاخره برای موفقیت بانک‌های اسلامی نیاز به فراهم شدن بستر و تلاش عمومی است، چه در سطح جز و چه در سطح کل، که در آن برای احیای عمل به شریعت اسلامی بدون افراط و تفریط تلاش شود، بستری که از نظر شناخت فرهنگ اسلامی و درک عقیده آن مخصوصاً در زمینه‌ی رزق و معیشت، تکامل تدریجی امکان پذیر باشد. بستری که در آن از سوی قانون گذاران و بانک‌های مرکزی حمایت لازم برای مقابله با ربا صورت گیرد، تا ربا خواران بر غیر ربا خواران ترجیح داده نشوند. بستری که در آن نهادهای آموزشی و تربیتی بانک‌های اسلامی را در زمینه نیازهای نیروی انسانی کارآمد، کمک کنند <http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=2&country=IND&series=&period>.

### روابط بانک‌های متعارف با بانک‌های معاملاتی اسلامی

سیستم بانکی اسلامی به سطح اقتصاد کل در حال حاضر صرف در کشورهای، عربستان سعودی، پاکستان، کویت، مصر، مالزی، ایران، سودان، بریتانیا، بنگلادیش، ترکیه و کشور انگلیس وجود دارد. این مطلب معنی می‌دهد، که بانک‌های اسلامی در این کشورها تحت پوشش بانک مرکزی اسلامی همان کشور قرار می‌گیرند. سایر بانک‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی یا غیراسلامی در ماحولی فعالیت می‌کنند، که در آن ماحول هم بانک‌های معاملاتی متعارف فعال اند و هم اینکه بانک‌های اسلامی تحت پوشش بانک‌های مرکزی متعارف قرار می‌گیرند (طیبیان، ۱۳۸۹: ۳۸).

بانک‌های مرکزی متعارف در کشورهای اسلامی در اوایل دهه ۱۹۸۰ نه تنها به صورت انفرادی بلکه با عملکرد جمعی خود خواستند، تا در زمینه فعالیت‌ها و کنترل بانک‌های اسلامی موجوده و بانک‌های اسلامی که در آینده در کشورهای شان تاسیس می‌شوند. موقف مشخص اتخاذ نمایند (صدر، ۱۴۱۰: ۸۸). بانک‌های مرکزی کشورهای عضو مطابق شرایط موجوده در کشورهای شان سفارشات در زمینه ای روابط آنها با بانک‌های اسلامی داده شد، که نکات عمده شامل موضوعات آتی بود:

- برای رفع مشکلات سیالیت بانک‌های اسلامی پیشنهاد گردید، تا به بانک‌های اسلامی که بخاطر منع ربح به بازار پول راهی ندارند، وجوه نقد به شکل بدون ربح در مقابل اجرت مناسب خدماتی داده شود.
  - برای مراقبت و نظارت فعالیت‌های بانک‌های اسلامی به خصوص به ارتباط با تخنیک‌های تمویلی جدید، باید شعبات کنترولی خاصی در بانک‌های مرکزی هر کشور ایجاد شود.
  - عواید متکی به اشتراک به مفاد که بانک‌های اسلامی به امانت گذاران خود می‌دهند، باید مانند عواید ربح برای امانت گذاران بانک‌های متعارف از مالیه معاف باشند، تا به آن وسیله بانک‌های اسلامی در مقابل بانک‌های متعارف متضرر نگردند.
  - به منظور این که سیاست بانکی، بانک‌های اسلامی منفردانه تحت نفوذ مالکین سرمایه شخصی قرار نگیرند، بایست حد اکثر سهم فی نفر در سرمایه مالکین تعیین گردد و یا حد اکثر رای اشخاص منفرد تثبیت شود.
  - برای حفاظت امانت گذاران بایست نسبت‌های معین بین سرمایه مالکین جمع ذخایر و ارقام پر خطر فعالیت‌های اکتیفی به شمول تمویل به اساس اشتراک در مفاد و ضرر تعیین شود. همچنین باید نسبت‌های معین بین سرمایه مالکین جمع ذخایر و پول‌های امانت گذاران و دیون دستور داده شود.
  - همین‌طور باید برای بانک‌های اسلامی مانند بانک‌های متعارف، سرمایه حداقل، تشکیل ذخایر و ذخیره حداقل نزد بانک مرکزی تعیین گردد. بر علاوه، باید واضح ساخته شود، که بانک‌های اسلامی صرف معاملات دیگران را تمویل می‌نمایند و به نام خود کدام معامله ای را (طور مثال معاملات تجارتي) را انجام نمی‌دهند.
- بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی این سفارشات را به طرق مختلفه در عمل پیاده نمودند. صرف در کشور مصر بانک مرکزی اقدامات مهمی برای کنترل شدید بانک‌های اسلامی اتخاذ نمود. در بنگلادیش بعضی از این سفارشات در عمل پیاده شد. در کویت و امارات عربی قوانین منفرد برای بانک‌های اسلامی در آن کشورها نافذ گردید (نور عباد، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

### شیوه‌های تجهیز منابع در بانکداری متعارف و اسلامی

در بانکداری متعارف، اساس فعالیت‌های بانکی بر مبنای بهره استوار است، بدین شکل که بانک‌ها از یک طرف با پرداخت بهره، سپرده‌های اشخاص را جذب می‌کنند، و از طرف دیگر، با اعطای وام و اعتبار به اشخاص حقیقی و حقوقی از آن‌ها بهره دریافت می‌کنند، بنابراین، بانک‌های تجاری و تخصصی همانند سایر شرکت‌های تجاری، اقتصادی دنبال حداکثر سازی سود خود هستند، با این تفاوت که برای کسب سود به جای خرید کالا با قیمت کمتر و فروش آن با قیمت بیشتر با دریافت وام از سپرده گذاران با بهره کمتر و اعطای وام گیرنده‌گان با بهره بیشتر، برای حداکثر سازی سود خود تلاش می‌کنند (شعبان، ۱۳۹۱: ۵۵). سپرده‌های بانکی در بانکداری متعارف در یک تقسیم بندی کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ یعنی شیوه‌های مختلف تجهیز منابع در بانکداری متعارف شامل سپرده‌های جاری، سپرده‌های پس انداز و



سپرده‌های مدت‌دار است. برای سپرده‌های جاری حتی در بانکداری متعارف نیز نرخ بهره صفر است. البته بانک‌ها اخیراً در بعضی از کشورها برای تشویق بیشتر سپرده‌گذاران حتی به سپرده‌های جاری نیز مبالغ ناچیزی بهره پرداخت می‌کند. بانک در سپرده‌های جاری در قبال اختیار گرفتن پول سپرده‌گذاران، خدمات حساب جاری در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد؛ یعنی علاوه بر آنکه بعضی از کارهای بانکی دارنده‌گان حساب جاری را بدون دریافت کارمزد برای آن‌ها انجام می‌دهد. موجبات پرداخت آسان‌تر را برای صاحبان حساب‌ها فراهم آورده و آن‌ها را از حمل و نگهداری پول نقد بی‌نیاز می‌سازد و از این حیث امنیت آن‌ها را بالا می‌برد. اما در سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار در بانکداری متعارف بهره دریافت و پرداخت می‌شود و اهرم بانک برای تنظیم میزان سپرده‌ها و حجم اعتبارات نیز همین نرخ بهره است. شایان ذکر است که نرخ بهره در حقیقت مبلغی است که واحدهای اقتصادی دارای مازاد به سبب عرضه و جوجه به واحدهایی که با کسری روبه‌رو شده‌اند، دریافت می‌کنند (قربانی، ۱۳۹۰: ۲۱). البته دیدگاه‌های متفاوتی در توجیه دلیل پرداخت بهره توسط وام‌گیرنده به وام‌دهنده مطرح است؛ قبول ریسک و مخاطره توسط وام‌دهندگان، رجحان بین زمانی، محرومیت مالکیت از انتفاع در زمان قرض، پاداش به صاحب سرمایه برای خودداری از مصرف سرمایه‌اش، لحاظ سهم سرمایه از منافع فعالیت انجام شده و در نظر گرفتن تفاوت میان ارزش حال و ارزش آتی سرمایه، از جمله این دلایل است.

در بانکداری اسلامی با توجه به حرمت ربای قرضی طبق آیات و روایات و حتی بر اساس دیدگاه بعضی از اقتصاددانان غربی که معتقدند پول نازاست و صرفاً یک وسیله مبادله است، از شیوه‌های دیگری در تجهیز منابع استفاده می‌شود که مبتنی بر بهره نیست، یکی از این شیوه‌های تجهیز منابع در بانکداری اسلامی، سپرده‌های قرض‌الحسنه است. ابزارهای انگیزشی بانک برای تشویق سپرده‌گذاران به سپرده‌گذاری در حساب‌های قرض‌الحسنه جاری تمامی ابزارهای بانکداری متعارف در جذب سپرده‌های جاری را شامل می‌شود (صدر، ۱۴۱۰: ۳۱). علاوه بر آن در بانکداری اسلامی از ابزارهای انگیزشی ثواب اخروی نیز در کنار سایر ابزارها، بهره گرفته می‌شود. بانک‌ها در سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز نیز از ابزارهایی چون انجام بعضی خدمات بانکی بدون کارمزد، اعطای جوایز برای تشویق سپرده‌گذاران استفاده می‌کنند. در بانکداری متعارف برای تشویق سپرده‌گذاران برای سپرده‌گذاری در حساب پس‌انداز، فقط از ابزار نرخ بهره استفاده می‌کنند. مشاهده می‌شود که در بانکداری اسلامی اهرم‌های انگیزشی برای تشویق سپرده‌گذاران بسیار متنوع‌تر از بانکداری متعارف است (سهیلی، ۱۳۸۷: ۴۴).

سپرده‌های مدت‌دار یکی دیگر از شیوه‌های تجهیز منابع در بانکداری اسلام است که در آن رابطه بین سپرده‌گذار و بانک به صورت رابطه داین و مدیون نیست و به شکل رابطه وکیل و موکل است. بانک‌ها برای تشویق سپرده‌گذاران به سپرده‌گذاری در حساب‌های مدت‌دار به آن‌ها سود پرداخت می‌کنند. بانک‌های تجاری و تخصصی سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را که به کارگیری آن‌ها وکیل می‌باشند، در امور مشارکت؛ مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله استفاده می‌کنند. و از محل سودهای کسب شده به صاحبان سپرده‌های مدت‌دار شامل سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت، یک‌ساله، دو‌ساله، سه‌ساله و پنج‌ساله سود پرداخت می‌کنند.

بانک‌ها با پرداخت اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و بیمه می‌کنند و منافع حاصل از عملیات مربوط به کاربرد سپرده‌های مذکور را طبق قرارداد منعقد شده پس از برداشت حق الوکاله خود، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم مبالغ بانک پرداخت می‌کنند (سهیلی، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۳).

### تفاوت بین بانکداری اسلامی و متعارف و دلایل برتری آن‌ها

تصور این که دفاع از بانکداری اسلامی فقط ناشی از احساسات و ادعای دینی است اشتباه است. زیرا دلایل اقتصادی متعددی وجود دارد که سیستم مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان به تجمع بهتر پس اندازها و به کارگیری منابع مالی بانکی در بهترین کاربردهای ممکن می‌انجامد و به دنبال آن باعث عدالت در توزیع درآمد و تقویت روحیه مشارکت میان دارنده‌گان پول و پس‌اندازکننده‌گان می‌گردد. در حالی که در غیر آن روحیه منفی گرایانه وجود دارد (جعفری، ۱۳۸۸).

بانک‌های اسلامی طی یک ربع قرن یا شاید بیشتر، در کشورهای اسلامی به تجمع پس‌اندازهای کسانی همت گمارده اند که به خاطر اعتقادشان به حرام بودن بهره از تعامل با بانک‌های متعارف پرهیز نموده اند.

در بانکداری اسلامی نه تنها دریافت سود (آنچه را با نامیده می‌شود) ممنوع است، بلکه اوراق قرضه، عقود مدت دار و قراردادهای بانکی خاص، به شکل رایج در غرب، به عنوان مثال در بانک‌های آمریکایی، نیز وجود ندارد. هم‌چنین بر اساس قوانین بانک‌های اسلامی، فرد نمی‌تواند چیزی را معامله کند که هنوز وجود خارجی ندارد یا خود مالک آن نیست. این عاملی است که به گفته بعضی کارشناسان، از خطر فروریختن "دومینو" گونه بانک‌ها، شبیه آنچه در بحران مالی در بانک‌های آمریکایی و اروپایی اتفاق افتاد، می‌کاهد. البته این را نیز نباید از نظر دور داشت که رابطه بانک‌های اسلامی با تجارت و دادوستد دیگر سیستم‌های بانکی و مالی، به همین نسبت محدودتر است (قرانی، ۱۳۹۰: ۴۲).

بانک‌های اسلامی در مقابل، سود مورد نیاز برای بقای خود را از راه‌هایی هم‌چون بستن قراردادهای مشارکتی، تأمین می‌کنند. بدین ترتیب که بانک در یک پروژه به عنوان شریک وارد می‌شود و سهمی از سود حاصل دریافت می‌کند؛ البته اگر پروژه‌ها با شکست مواجه شود، دارایی بانک نیز از بین خواهد رفت.

این بانک‌ها از طریق ابزارهای تأمین مالی جدید بر گرفته از عقود اسلامی مانند مرابحه، اجاره، مشارکت و در تأمین مالی تعداد زیادی از پروژه‌های کوچک و متوسط موفق بوده اند که در شرایط عدم وجود بانک‌های اسلامی چنین پروژه‌هایی نمی‌توانستند در سیستم بانکی موجود (که بر شایستگی اعتباری و ضمانت‌های مالی استوارند) به منابع مالی مورد نیاز دست یابند (داعی، ۱۳۸۹: ۶۸). این در حالی است که کمک به چنین پروژه‌هایی اقدامی مهم در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

اخیراً بانک‌های متعارف به حوزه‌ی تأمین مالی پروژه‌های کوچک روی آورده اند، اما با احتیاط شدید و با همکاری شرکت‌های بیمه و شرکت‌های تضمین سرمایه‌گذاری و هم‌چنین با دقت در تعریف پروژه‌های کوچک، تا ریسک تأمین مالی آنها به حداقل برسد، اما این ورود بانک‌های متعارف با آنچه بانک‌های

اسلامی در این زمینه کار کرده اند فاصله‌ی زیادی دارد و هنوز برای بانک‌های اسلامی فرصت‌های زیادی وجود دارد تا با استفاده از ابزارهای مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان خود، نقش فعال‌تر و بزرگ‌تری ایفا نمایند (طیبیان، ۱۳۸۷: ۷۱).

به طور کلی در بررسی و مقایسه بانک‌های متعارف و اسلامی و میزان موفقیت آن‌ها در توسعه اقتصادی و جذب سپرده‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نموده:

- بانک اسلامی با تخصیص منابع پولی بر مبنای تولید و کارایی اقتصادی، به طور مستقیم در توزیع عادلانه درآمد ملی توأمان با توسعه اثرگذار است، در حالی که موضوع عدالت در توسعه اقتصادی مورد توجه بانک‌های متعارف نمی‌باشد.
- بر خلاف بانک‌های متعارف، بانک‌های اسلامی رفتارهای مثبت اندیشانه را تشویق می‌نمایند که برانگیزاننده فرایند توسعه می‌باشد (سهیلی، ۱۳۸۷: ۵۶).

بنابراین برای بهبود و تصحیح اوضاع فعلی، وجود بانک اسلامی، یک ضرورت جدی است. وجود بانک اسلامی و توجه آن به مشارکت فقط به معنی سپهیم شدن در تحقق عدالت در توزیع درآمد بین صاحبان و جوه نقد قابل سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران نیست، بلکه به خاطر توسعه‌ی رفتارهای مثبت در میان افراد است که این مهم در توسعه اقتصادی سالم و پایدار ضروری می‌باشد. زیرا معنای واقعی مشارکت آن است که طرفین با هم در تصمیم‌گیری فکر کنند و با هم مسئولیت بپذیرند، نه این که فقط یک طرف فکر کند و هم او به تنهایی مسئولیت بپذیرد (<http://www.bmi.ir/Fa/DynamicPage.aspx?id=153>).

### مقایسه کارایی، نقاط ضعف و قوت بانکداری اسلامی و متعارف

کارایی بانک در تجهیز و تخصیص منابع در حقیقت به ماهیت واسطه‌گیری مالی بانک بر می‌گردد. بانک‌های تجاری نهاد‌های هستند که با استفاده از ابزارها منابع را تجهیز و با به کارگیری منابع تجهیز و تخصیص آن‌ها، علاوه بر تامین نقدینگی، مورد نیاز فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، سعی در حداکثر سازی سود خود دارند. با این تفاسیر می‌توان کارای بانک در تجهیز منابع را به صورت توانایی و قابلیت بانک در تجهیز منابع با هزینه کمتر و سهولت بیشتر و با شیوه‌های متنوع‌تر و سازگارتر با عقاید مشتریان تعریف کرد. منظور از کارایی در تخصیص منابع نیز اختصاص وجوه جمع‌آوری شده به شکل بهینه و آسان و با هزینه کمتر، به فعالیت‌های اقتصادی است (جعفری، ۱۳۸۸: ۶۲).

دقت در مطالب ارایه شده با عنوان شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری متعارف و اسلامی گویای این واقعیت است که در بانکداری بودن ربا به دلیل آنکه بانک، وکیل سپرده‌گذاران، سپرده‌های آنان را بر اساس یکی از عقود اسلامی به جریان می‌اندازد، در مراحل مختلف پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران و شرکای بانک بر کار آن‌ها نظارت دارد و به همین سبب، منابع به سمت فعالیت‌های زیربنایی و مولد، هدایت می‌شوند. در مقابل، در بانکداری مبتنی بر ربا چنین نظارتی وجود ندارد. در بانکداری متعارف نوع فعالیت متقاضی وام برای بانک مهم نیست و همین که بانک از توانایی متقاضی وام در بازپراخت اصل و فرع وام اطمینان حاصل کند و تضمین‌های لازم را دریافت نماید، وام اعطا می‌کند؛ حتی اگر متقاضی، تسهیلات دریافتی را صرف امور غیر تولیدی و بعضاً مخرب مانند خرید و فروش ارز، طلا و

یا احتکار کالاهای ضروری بکنند و از این طریق، برای سود جویی خود سازوکار بازار را دچار اختلال کند. با این تفاسیر می‌توان اذعان کرد که یکی از ضعف‌های بانکداری متعارف این است که بخش زیادی از منابع بانک‌ها به امور تجاری و مصرفی تخصیص پیدا می‌کند و کمتر جذب فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی می‌گردد (سهیلی، ۱۳۸۷: ۷۷). در مقابل هدایت منابع به سوی فعالیت‌های تولیدی از ویژه‌گی‌های بارز بانکداری اسلامی است، از این‌رو، بانک‌ها در این سیستم بانکداری ضمن کمک به شکوفایی اقتصاد و رشد تولیدات تاثیر مثبت و ملموس تری بر اشتغال دارند و در کاهش نرخ بیکاری، یک معضل اصلی اقتصاد، نقش موثرتری را ایفا می‌کنند و هدایت منابع به سوی فعالیت‌های تولیدی در سیستم مذکور باعث می‌شود که تسهیلات اعطایی در این نظام بانکداری آثار ترمیمی کمتری باشد. علاوه بر آن، در بانکداری اسلامی ابزارهای مورد استفاده برای تشویق سپرده‌گزاران در بانک‌ها بسیار متنوع‌تر از بانکداری متعارف است (طیبیان، ۱۳۸۷: ۹۱).

یکی دیگر از مشکلات عملیاتی در بانکداری اسلامی، عدم اشراف کارکنان بانک‌ها بر مبانی نظری بانکداری اسلامی است. تعداد زیادی از کارکنان امور بانکی نه تنها قدرت توجیه مشتریان در خصوص نحوه همکاری بانک با آنها را ندارد بلکه خود نیز در رابطه با نحوه فعالیت بانکداری اسلامی چندان توجیه نیستند، به طور مثال کارکنان بانک‌ها در بسیاری از موارد تمایزی بین بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف قایل نیستند و حتی با صراحت به جای واژه سود و مشارکت، از عبارت بهره و وام استفاده می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود که کارکنان مذکور در اجرای قانون بانکداری اسلامی با مشکل مواجه باشند و توان کامل در اجرای آنها نداشته باشند (بخشی‌رنگی، ۱۳۸۵: ۴۵). بنابراین، اجرای صحیح و قدرتمند بانکداری اسلامی تربیت نیروهایی را می‌طلبد که علاوه بر دانش روز، در خصوص اقتصاد و علوم بانکی بر حوزه اسلامی نیز اشراف داشته باشند. بدیهی است این کار ظرفیت‌سازی بالایی در رابطه با تربیت نیروی کار مورد نیاز بانک‌های اسلامی را می‌طلبد. لازم است که در کوتاه مدت بانک‌ها از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه مدت ضمن خدمت و آموزش کارکنان خود، آنها را با فرایند عملکرد بانکداری اسلامی آشنا و توجیه کنند. بدیهی است برگزاری چنین دوره‌های آموزشی هزینه فعالیت بانک‌ها را در جایگاه‌های تجاری افزایش می‌دهد و توان رقابت آنها را در مقایسه با بانک‌های فعال در سیستم بانکداری متعارف کاهش می‌دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۷۷).

علاوه بر این موارد، بانکداری اسلامی در مقایسه به بانکداری متعارف با تنگناهای دیگری نیز مواجه است. محدودیت آزادی عمل برای استفاده از وجوه عدم امکان تمدید مدت اعطای تسهیلات در بسیار از موارد، نارسایی کاربرد نرخ سود به صورت ابزار سیاست پولی، صوری عمل کردن بسیاری از بانک‌ها، تصور عمومی مبنی بر نبود تفاوت بین بانکداری متعارف و اسلامی و تبلیغات ناکافی برای شناسایی تفاوت‌های آنها به عموم مردم، پیچیده‌گی فعالیت‌ها و قدرت کمتر ابزارهای تجهیز منابع در بانکداری اسلامی، از عمده‌ترین این تنگناها و مشکلات به شمار می‌روند (قربانی، ۱۳۹۰: ۹۲).

## یافته‌های تحقیق

بانک‌های اسلامی توانایی بیشتری برای جلب وجوه نقدی قابل سرمایه‌گذاری دارند، زیرا مبنای آن‌ها مشارکت است. تغییرات نرخ بهره بر حجم کلی پس‌انداز بی‌تأثیر است. در مجموع آن دسته از تحقیقات اقتصادی که به آزمون رابطه‌ی بین تغییرات نرخ بهره‌ی واقعی و پس‌انداز در کشورهای در حال توسعه پرداخته است، نشان می‌دهد که این رابطه یا بسیار ضعیف است و یا در اکثر موارد معنا دار نمی‌باشد. اما در ارتباط با بانک اسلامی، ابزار «مشارکت» نشان می‌دهد که این مؤسسه برخلاف بانک‌های موجود، واسطه بین پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران به عنوان گروه‌های مستقل از یکدیگر نمی‌باشد، بلکه این مؤسسه واسطه‌ای است بین صاحبان وجوه اضافی (که مایل هستند وجوه خود را براساس مشارکت سرمایه‌گذاری نمایند)، تجاری که برای راه‌اندازی و استمرار فعالیت پروژه‌های خود (برهمن اساس مشارکت) به تأمین مالی نیاز دارند.

در حالی که پس‌انداز کنندگان در بانک‌های متعارف انتظار دریافت بهره دارند، پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذار انتظار پاداش و بازدهی وجوه سرمایه‌گذاری شده خود را دارند و بازدهی سرمایه‌گذاری عبارت از «سودی» است که بعد از موفقیت سرمایه‌گذاری تعیین می‌گردد. بنابراین، این سود درآمدی است که به طور مستقیم با فعالیت تولیدی مرتبط بوده و ممکن است کم یا زیاد باشد. در نتیجه منطقی است افرادی که به دنبال سرمایه‌گذاری وجوه اضافی خود هستند با انتظار سود بیشتر انگیزه‌ی قویتری پیدا می‌کنند. البته این موضوع در نظام بهره محقق نمی‌شود زیرا در بانک‌های متعارف برای افزایش نرخ بهره محدودیت‌های فراوانی وجود دارد از جمله، محدودیت‌هایی که بانک مرکزی برای تحقق اهداف اقتصاد کلان وضع می‌کند و یا محدودیت‌هایی که بانک‌های تجاری به دنبال سیاست‌های اعتبار و توانایی باز پرداخت (Solvency) اعمال می‌نمایند.

بر خلاف بانک متعارف، بانک اسلامی از تأمین مالی پروژه‌های نوپا یا پروژه‌های کوچکی که استحقاق تأمین مالی آن‌ها بر اساس مولد بودن و کارایی مدیران آن‌ها در خلال مطالعات به اثبات رسیده است، خودداری نمی‌کند.

بدون تردید بانک اسلامی (بر اساس تعریف متکامل آن و در شرایط یک اقتصاد اسلامی) به خاطر منافع اجتماعی از سوی بانک مرکزی حتی برای تأمین مالی پروژه‌هایی با بازدهی نسبتاً پایین توجیه می‌شود. اما از سوی دیگر به دلیل اینکه بانک اسلامی در سود تحقق یافته شریک می‌شود، پس برای افزایش سود حلال سعی می‌کند، تأمین مالی پروژه‌های دارای بازدهی بالاتر را بر پروژه‌های دارای بازدهی پایین ترجیح دهد. در نتیجه هر گاه نرخ‌های بازدهی انتظاری طرح‌ها بر اساس اصول درست برآورد گردیده و با در نظر گرفتن ریسک (در محاسبات) همراه شود کارا تر بوده و به تخصیص بهینه منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در جامعه نزدیک‌تر می‌شود. ممکن است گفته شود با توجه به توضیحات بالا، اختصاص تسهیلات به پروژه‌های یاد شده، از هدف بهترین تخصیص منابع پولی سپرده شده به بانک اسلامی دور می‌شویم. ولی با توجه به اینکه قبلاً نیز عنوان شد که یکی از وظایف بانکداری اسلامی همراهی طرح‌ها و سود اجتماعی و توزیع مناسب درآمد است می‌توان گفت با در نظر گرفتن سود اجتماعی (Social Profit) به جای سود

خصوصی (Private Profit) در صورت نیاز و مطابق روش اسلامی در اولویت گذاری سرمایه‌گذاری‌ها، این موضوع، انحراف (از کاربرد بهینه‌ی تخصیص منابع پولی) نمی‌باشد.

بنابراین برای بهبود و تصحیح اوضاع فعلی، وجود بانک اسلامی، یک ضرورت جدی است. وجود بانک اسلامی و توجه آن به مشارکت فقط به معنی سهیم شدن در تحقق عدالت در توزیع درآمد بین صاحبان وجوه نقد قابل سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران نیست، بلکه به خاطر توسعه‌ی رفتارهای مثبت در میان افراد است که این مهم در توسعه‌ی اقتصادی سالم و پایدار ضروری می‌باشد. زیرا معنای واقعی مشارکت آن است که طرفین با هم در تصمیم‌گیری فکر کنند و با هم مسئولیت بپذیرند، نه اینکه فقط یک طرف فکر کند و هم او به تنهایی مسئولیت بپذیرد.

### مناقشه

در جریان بحران مالی اقتصادی که از اواخر سال ۲۰۰۷ میلادی در جهان پدید آمد، بانک‌های اسلامی آسیب‌چندانی ندیدند. برخی از اقتصاددانان بر این باور هستند که علت عدم آسیب بانک‌های اسلامی، به علت نبود تعامل اقتصادی با دنیا است، اما اقتصاددانان مسلمان این ادعا را نپذیرفته‌اند؛ زیرا کشورهای اسلامی به علت برخورداری از بیشترین ذخایر و منابع ارزشمند انرژی، عضوی از اقتصاد جهانی شمرده شده و در تعامل‌های اقتصادی جهان حضوری فعال داشته‌اند، با این وجود از بحران اخیر کمترین آسیب را دیده‌اند.

اصلی‌ترین مسئله در نظام بانکداری اسلامی که آن را از دیگر نظام‌های بانکی متمایز کرده، دیدگاه این نظام ممنوعیت ربا و محدودیت احتکار در چارچوب احکام و قوانین شریعت است.

ایده بانکداری اسلامی نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد و در حال حاضر تبدیل به یک واقعیت شده و توانسته در همین مدت زمان کوتاه به رشد فراوانی دست یابد. بحران مالی ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹ فرصتی مناسب برای فعالان حوزه بانکداری اسلامی پدید آورده است. تا بتوانند توانمندی‌های نظام بانکداری اسلامی را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند. به همین علت بررسی کارایی نظام بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف مورد توجه قرار گرفته و مطالعه گوناگونی در این باره انجام شده است. ماهیت فعالیت‌های بانک‌های متعارف این است که منابع را از طریق دریافت سپرده‌های مردم "با نرخ از قبل مشخص" جمع-آوری و جذب نموده و آنرا با یک "نرخ سود مشخص از قبل تعیین شده" به دیگران تسهیلات پرداخت می‌کنند. لذا این منابع، منابع قرض است و اضافه شرط مازاد دارد و آنچه گفته می‌شود ربا است به دلیل این شرط مازادی است که به آن تعلق می‌گیرد.

## نتیجه گیری

مقایسه شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری متعارف و اسلامی گویا آن است که شیوه‌های تجهیز منابع و ابزارهای انگیزشی برای تجهیز منابع در بانکداری اسلامی متنوع تر از بانکداری متعارف بوده، ولی ابزارهای انگیزشی نظام بانکداری متعارف قدرتمندتر و با ثبات تر است. شیوه‌های تخصیص منابع نیز در بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف متنوع تر و پیچیده تر است.

یکی از ضعف‌های بانکداری متعارف این است که اصول و در مقام مقایسه با بانکداری اسلامی سهم کمتری از منابع بانک‌ها جذب فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی می‌گردد و حتی بعضاً ممکن است از بخشی از تسهیلات اعطا شده توسط بانک‌ها در فعالیت‌های مخرب برای اقتصاد بهره گرفته شود، در حالی که در بانکداری اسلامی منابع به سوی فعالیت‌های تولیدی هدایت می‌شوند و این موضوع از امتیازات و نقاط قوت بانکداری اسلامی است. از این‌رو، بانک‌ها در سیستم بانکداری اسلامی ضمن کمک به شکوفایی اقتصاد و رشد تولیدات، تاثیر مثبت و ملموس تری بر اشتغال دارند و در کاهش نرخ بیکاری، یک معضل اصلی اقتصادی است، نقش موثرتری ایفا می‌کنند. از آنجایی که منابع بانک‌ها در سیستم بانکداری اسلامی منجر به تولید و افزایش عرضه می‌شود، تسهیلات اعطای آن‌ها آثار تورمی کمتری دارند.

بالا بودن هزینه‌های عملیاتی بانک، دشوارتر بودن دریافت تسهیلات از بانک توسط سرمایه‌گذاران، فاصله گرفتن بانک‌ها از وظیفه اصلی و تخصصی خود و انجام فعالیت‌های غیر تخصصی، عدم اشراف کارکنان بانک‌ها به مبانی، اصول و نحوه فعالیت بانکداری اسلامی، نا آشنایی مشتریان بانک با نحوه فعالیت بانکداری اسلامی و چگونگی تعامل با آن و تصور بیشتر آن‌ها مبنی بر عم تفاوت بین بانکداری متعارف و اسلامی، تبلیغ ناکافی برای شناساندن تفاوت‌های بانکداری متعارف و اسلامی عموم مردم، محدودیت‌های بعضی از عقود مورد استفاده برای اعطایی تسهیلات، توزیع ناعادلانه منافع سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز، انتقال بیش از حد سپرده‌های قرض الحسنه از یک بانک به بانک دیگر، کاهش قدرت خرید سپرده‌های قرض الحسنه و رخداد ضمنی پدیده ربای معکوس در این گونه سپرده‌ها، محدودیت آزادی عمل برای استفاده از وجوه، نارسایی کاربرد نرخ سود به صورت ابزار سیاست پولی، صوری عمل کردن بسیار از بانک‌ها و پیچیده‌گی بیشتر فعالیت‌ها در بانکداری اسلامی، عمده ترین تنگناها و مشکلات نظام بانکداری اسلامی به شمار می‌روند.

بازنگری در قانون عملیات بانکی اسلامی کشورهای اسلامی (اردن، بحرین و ایران) و اصلاح و تلطیف بعضی از محدودیت‌های ناشی از این قانون که منبعث از موازین شرعی نیستند و توسط قانون‌گذار بنا بر مصالحی برای اداره امور بانک‌ها وضع شده است، کاهش تفاوت بین ارزش جوایز و پرداخت جایزه به تعداد بیشتری از صاحبان سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز، تاکید بیشتر بر ابزارهای معنوی برای تشویق سپرده‌گذاران به سپرده گذاری در حساب قرض الحسنه، توسعه و گسترش تحقیقات برای تحلیل دقیق و عملی مبانی، فلسفه و اصول حرمت ربا برای پاسخ گویی مستدل به سوالات طرح شده در مورد بانکداری اسلامی، گنجاندن مطالبی در خصوص بانکداری اسلامی در کتاب‌های درسی، طرح مباحث بیشتری در نشریات و رسانه عمومی در خصوص نحوه فعالیت‌ها در بانکداری اسلامی، تشکیل بعضی جلسات توجیهی برای

مشتریان عمده بانک‌ها، برگذاری دوره‌های کوتاه مدت ضمن خدمت و آموزش کارکنان بانک‌ها، ظرفیت سازی در دانشگاه‌ها برای تربیت نیروی کار مورد نیاز در بانک اسلامی و تجهیز دانش آموختگان رشته‌های مرتبط با بانکداری به آموزه‌های دینی مرتبط با بانکداری اسلامی و بهره‌گیری از عقود مختلف در تخصیص منابع بانک‌ها برای رفع مشکل محدودیت بعضی از عقود، از عمده ترین راهکارهایی است که برای رفع و کاهش تنگناهای بانکداری اسلامی و افزایش کارایی آن مثمر به نظر می‌رسد.

### پیش‌نهادها

با توجه حساسیت مطالعه، این دسته مطالعات می‌تواند با همکاری بیشتر حوزه‌های دینی و دانشگاه‌ها "شناسایی نقاط مشترک بانکداری اسلامی و متعارف با تاکید شرایط کنونی جوامع" پیشنهاد می‌گردد، تا شناسایی موانع پیاده سازی نظام بانکداری اسلامی از دیدگاه مردم و راه کارهای نظام بانکداری اسلامی، شامل ساختن بانکداری اسلامی در نصاب تحصیلات عالی و ارایه سیمینارهای علمی و آموزشی در مورد مزایای بانکداری اسلامی دید قرآن و سنت توسط دانشمندان و استادان، را مروج ساخته و در کنار آن دریافت تشبها و تفاوت نظریات عالمان دینی و علوم تجربی در خصوص پیاده سازی نظام بانکداری اسلامی. در پایان، از آنجا که بانکداری اسلامی نوظا تر از بانکداری متعارف است، لذا ممکن است به مرور زمان و در حین عملیات اجرای بعضی از تنگ‌ناهای این سیستم ظهور پیدا کند؛ بنابراین، یک موسسه تحقیقاتی تشکیل و با مطالعه و تحقیق عملی، مشکلات احتمالی بانکداری اسلامی را مرتفع کند و راه-کارهایی را برای بهبود سیستم بانکداری ترسیم کند.



## منابع

۱. بخشی رنگی، مصور. (۱۳۸۵). بانک و بانکداری اسلامی. تهران: مطبوعه سمت.
  ۲. جعفری، مرضیه. (۱۳۸۸). مقایسه نظام بانکداری اسلامی و متعارف. پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی.
  ۳. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۴). درس‌هایی در اقتصاد اسلامی. ترجمه جمعی از دانش‌آموختگان دانشگاه مفید، موسسه انتشارات دانشگاه مفید.
  ۴. داعی، عبدالظاهر. (۱۳۸۹). جهان بینی اسلامی. کابل: سلسله کتاب‌های ثقافت اسلامی پوهنتون‌های افغانستان.
  ۵. سهیلی، کیومرث. (۱۳۸۷). مقایسه نظری کارایی بانکداری غیرریحوی و ریحوی در تجهیز و تخصیص منابع. مطالعات اقتصاد اسلامی، سایت مجلات تخصصی نور.
  ۶. شعبان محمد انور، اسد محمد نعیم. (۱۳۹۱). استفاده از امکانات پولی و بانکداری در افغانستان.
  ۷. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۱۰). فی الاسلام. دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
  ۸. طیبیان.م. (۱۳۸۷). تجربه ده دهه بانکداری اسلامی و چالش‌های پیش‌رو. خورشید.
  ۹. عارف، عبدالقیوم. (۱۳۸۸). ارزیابی سیستم بانکی افغانستان. کابل: انتشارات فرهنگ.
  ۱۰. قربانی، رضا. (۱۳۹۰). دیدگاه بانکداری اسلامی. تهران: مطبوعه خراسان. ۱
  ۱۱. نور عباد، حمیدالله. (۱۳۹۰). اقتصاد اسلامی. پوهنتون کابل: لکچر نوت درسی پوهنحی اقتصاد.
1. A group of writers. (1384). Lessons in Islamic economics. Translation by a group of Mofid University graduates, Mofid University Publications Institute. 2
  2. Aref, Abdul Qayyum. (1388). Evaluation of Afghanistan's banking system. Kabul: Farhang Publications.
  3. Bakhshi Ranki, Mosawer. (1385). Bank and Islamic banking. Tehran: Samit Press.
  4. Da'i, Abdul Zaher. (1389). Islamic worldview. Kabul: Series of books on Islamic culture of Afghan universities.
  5. Jafari, Marzieh. (1388). Comparison of Islamic and non-Islamic banking systems. Master's thesis; Islamic Azad University.  
Noor Ebad, Hamidullah. (1390). Islamic economy. Kabul University: Lecture notes of the Department of Economics.
  6. Qorbani, Reza. (1390). the perspective of Islamic banking. Tehran: Khorasan Press.
  7. Sohaili, Kiyomars. (1387). Theoretical comparison of the effectiveness of non-profit and for-profit banking in equipping and allocating resources. Islamic Economic Studies, Noor Magazines Site.
  6. Shaban Mohammad Anwar, Asad Mohammad Naeem. (2011). Using monetary and banking facilities in Afghanistan.

7. Sadr, Seyyed Mohammad Baqir. (1410). in Islam Dar al-Taarif for publishing, Beirut.
8. Tabiban. M. (1387). The experience of ten decades of Islamic banking and the upcoming challenges. Sun.
9. World Bank, "World Development Indicators", Retrieved October 2015.  
Available at:  
[http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=2&country=IND  
&series=&period](http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=2&country=IND&series=&period)
- 10 .<http://www.bmi.ir/Fa/DynamicPage.aspx?id=153>).